

اسلام‌هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل

دکتر علی مرشدی‌زاد*

دکتر زاهد غفاری هاشجین**

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۸۷/۰۲/۰۹

چکیده

از جمله پدیده‌های مهمی که از دیرباز در دستور کار کانون‌های معارض با اسلام قرار داشته است، می‌توان به تولید تصویری منفی از اسلام اشاره داشت که امروزه با عنوان تخصصی «اسلام‌هراسی» از آن یاد شده و پس از ۱۱ سپتامبر تولید و تقویت آن از اولویت و اهمیتی دوچندان برای اردوگاه غربی، به ویژه آمریکا، برخوردار شده است.

در این مقاله اسلام‌هراسی در اروپا بررسی می‌شود تا بدین پرسش پاسخ داده شود که چرا این پدیده در اروپا بروز کرد و در سال‌های اخیر شدت گرفت. برای بررسی این موضوع به عوامل تاریخی، فرهنگی و سیاسی توجه می‌شود. برای آشنایی ابتدایی با موضوع، ابتدا مفهوم و دلالت‌های اسلام‌هراسی و سپس وضعیت کشورهای اروپایی در این خصوص به صورت گذرا بررسی می‌شود. نتیجه این مطالعات حکایت از آن دارد که عادی‌سازی اسلام‌هراسی با هدف هژمونیک‌سازی الگوی سیاسی لیبرال، به هدفی راهبردی برای جامعه غربی تبدیل شده است.

واژگان کلیدی

اسلام‌هراسی، خشونت، تبعیض، اسلام، سیاست، اروپا

morshedizad@shahed.ac.ir

ghafari@shahed.ac.ir

* استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد

** استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد

مقدمه

اسلام‌هراسی^۱ مفهومی است که به ترس، پیش‌داوری^۲ و تبعیض^۳ غیرعقلانی در قبال اسلام و مسلمانان اشاره دارد (Fredman, p.121). سابقه این اصطلاح به دهه ۱۹۸۰م. بازمی‌گردد، اما پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱م. مورد استفاده وسیع قرار گرفت. مؤسسه رانیمد تراست^۴ انگلستان، که به امر تبعیض و نفرت در این کشور می‌پردازد، در سال ۱۹۹۷م. اسلام‌ترسی را به عنوان «ترس و نفرت از اسلام و بنابراین ترس و نفرت از تمامی مسلمانان» تعریف کرد و همچنین ابراز داشت که این اصطلاح بر تبعیض و طرد (exclusion) مسلمانان از زندگی اقتصادی، اجتماعی و عمومی کشور نیز دلالت دارد. اسلام‌ترسی همچنین در بردارنده این برداشت است که اسلام بدون ارزشی مشترک با دیگر فرهنگ‌هاست، در مقایسه با غرب در موقعیتی فرودست قرار دارد، و بیش از اینکه دین باشد یک ایدئولوژی سیاسی است. با این تلقی می‌توان ادعا کرد که اسلام‌هراسی پدیده‌ای دیرین و با ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشخص است که می‌طلبد در سطح اروپا و آمریکا- یعنی خاستگاه اولیه آن- بررسی مستقل و جداگانه‌ای گردد.

۱. تعاریف و برداشتها

در ژانویه سال ۲۰۰۱م. در «مجمع بین‌المللی استکهلم برای مبارزه با عدم تساهل»^۵ گام‌هایی برای پذیرش رسمی این اصطلاح برداشته شد و اسلام‌هراسی در کنار بیگانه‌ترسی و آنتی‌سمیتیسم به عنوان نوعی عدم تساهل پذیرفته شد. منابع مختلف علت اسلام‌ترسی را حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱م. و نیز حضور روزافزون مسلمانان در کشورهای غربی ذکر کرده‌اند. «مرکز اروپایی نظارت بر نژادپرستی و بیگانه‌ترسی»^۶ که یک نهاد نظارتی اروپایی است، در ماه مه سال ۲۰۰۲م. گزارشی با عنوان «خلاصه گزارش اسلام‌هراسی در اروپا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م.» منتشر کرد، که بیان‌کننده افزایش حوادث مربوط به اسلام‌هراسی در اروپا پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱م. بود. این اصطلاح گرچه بسیار استفاده شده، موضوع بحث‌ها و مجادلاتی جدی است. مخالفان کاربرد این اصطلاح معتقدند که این اصطلاح اغلب مورد سوءاستفاده قرار

می‌گیرد و نقد مشروع از اسلام را تخریب می‌کند. آن‌ها این اصطلاح را اسطوره می‌نامند. سلمان رشدی به همراه نویسندگانی دیگر در مارس سال ۲۰۰۶م. بیانیه‌ای را با عنوان «همراه با هم در مواجهه با تمامیت‌خواهی جدید» امضا کردند، و در آن اسلام‌هراسی را «مفهومی تأسف‌انگیز» نامیدند که نقد اسلام به عنوان یک دین و بدنام کردن معتقدان به آن را در هم می‌آمیزد. برخی از مخالفان هراس از اسلام را امری توجیه‌پذیر می‌دانند.

در بیان ریشه این اصطلاح باید گفت که «islamophobia» از کلمات اسلام، حرف لاتین ما بعد کلاسیک «o» و کلمه «phobia» که به معنای ترس غیرمعقول از چیزی یا بیزاری از آن است، تشکیل یافته است. لازم به ذکر است که پسوند «phobia» دو کاربرد کلی و متفاوت دارد: این پسوند گاه در روان‌شناسی در مورد افراد به کار می‌رود که به معنای نوعی بیماری است و گاه در زمینه‌ای اجتماعی و در کنار اصطلاحات مربوط به ضدیت با اقوام و ملیت‌ها استفاده می‌شود. مورد نخست بدون دلالت مستقیم سیاسی است ولی در مورد دوم، دلالتی سیاسی وجود دارد.

تعدادی از افراد و سازمان‌ها کوشیده‌اند این واژه را تعریف کنند. کوفی عنان، دبیر کل سابق سازمان ملل، در کنفرانسی در باب اسلام‌هراسی در سال ۲۰۰۴م. گفت: «هنگامی که جهان مجبور است اصطلاحی برای نشان دادن تعصب و سرسختی در عقیده بیافریند، نشان از تحوّل تأسف‌انگیز و دشوار دارد».^۷ این مطلب در مورد اصطلاح اسلام‌هراسی صدق می‌کند. مؤسسه رانیمد تراست در سال ۱۹۹۶م. کمیسیون مسلمانان بریتانیا و اسلام‌هراسی را به وجود آورد که ریاست آن را گوردون کانوی^۸ معاون دانشگاه ساسکس عهده‌دار بود. گزارش آن‌ها با عنوان «اسلام‌هراسی: چالشی علیه تمامی ما» در نوامبر سال ۱۹۹۷م. انتشار یافت. در این گزارش اسلام‌هراسی به عنوان «ترس و اکراه بی‌اساس در قبال مسلمانان، که باعث دفع آن‌ها و تبعیض علیه آن‌ها می‌شود» تعریف شده است. استفن شوارتز، نویسنده آمریکایی، اسلام‌هراسی را به عنوان «محکوم‌سازی کلیت اسلام و تاریخ مسلمانان به عنوان امری افراطی؛ انکار اکثریت میانه‌روی مسلمان و در نظر گرفتن اسلام به عنوان مشکلی برای جهان؛ برخورد با تعارضات مربوط به مسلمانان به عنوان اموری الزاماً حاصل اشتباهات آن‌ها؛ تأکید بر

اینکه مسلمانان در صدد ایجاد تغییر بر اساس دین خود هستند؛ و اعلان جنگ علیه کلیت اسلام» تعریف کرده است.^۹ مقاله‌ای در مجله جامعه‌شناسی در سال ۲۰۰۷م. اسلام‌هراسی را به عنوان «نژادپرستی بر ضد مسلمانان و استمرار نژادپرستی ضد عرب و ضد آسیایی» تعریف می‌کند (Poynting & Mason, 2007, pp.61-86).^{۱۰} گزارش رانیمد هشت برداشت را در ارتباط با اسلام‌هراسی شناسایی می‌کند:

یک. تمدن اسلامی بلوکی یکپارچه، ایستا و بدون واکنش در مقابل تغییرات؛ دو. تمدن اسلامی به عنوان «دیگری» مجزاً که بدون ارزش‌هایی مشترک با دیگر فرهنگ‌هاست، از آن‌ها تأثیر نمی‌پذیرد و بر آن‌ها تأثیر نمی‌گذارد؛ سه. تمدن اسلامی به عنوان تمدنی فردوست در مقابل تمدن غرب؛ تمدن اسلامی به عنوان تمدنی بربری، غیرعقلانی، ابتدایی و جنسیت‌گرا در نظر گرفته می‌شود؛ چهار. تمدن اسلامی به عنوان تمدنی خشن، ستیزه‌جو، تهدیدکننده، حامی تروریسم و درگیر در رویارویی تمدن‌ها؛ پنج. اسلام به مثابه ایدئولوژی سیاسی، که برای اهداف سیاسی و نظامی استفاده می‌شود؛

شش. انتقادهای مسلمانان در خصوص غرب، انتقادهایی کهنه و منسوخ هستند؛ هفت. خصومت نسبت به اسلام به عنوان توجیهی برای رفتارهای تبعیض‌آمیز در قبال مسلمانان و طرد آن‌ها از جامعه استفاده می‌گردد؛

هشت. خصومت بر ضد اسلام امری عادی در نظر گرفته می‌شود.^{۱۱} برداشت‌های فوق برداشت‌های بسته‌ای هستند که در کشورهای غربی، به ویژه اروپا در قبال اسلام و مسلمانان وجود دارد. البته برداشت‌های باز و معتدلی نیز وجود دارد که به اسلام احترام می‌گذارد، و عدم توافق مشروع، گفتگو و نقد را مجاز می‌شمارد (Benn, & Jawad, 2004, p.162).

اسلام‌هراسی در کشورهای مختلف به شکل‌های متفاوتی بروز یافته است. در برخی کشورها این پدیده بر اساس نوع نگاه به اسلام و مسلمانان به عنوان «دیگر» ملی بنیان یافته است. نمونه‌ای از این جوامع انگلستان و فرانسه هستند که هندی‌ها و الجزایری‌ها به ترتیب در این کشورها به دلیل تفاوت دینی و تمدنی‌شان با سنت و

هویت ملی، دیگر ملی محسوب می‌شوند. سابقه تاریخ ارتباط این کشورها با انگلستان نیز این وضعیت را تشدید می‌کند. بنا به گفته مالکوم براون و رابرت مایلز، این احساس، گرچه به خودی خود نژادپرستی نیست، بسیار با نژادپرستی تعامل دارد (Miles & Brown, 2003, pp.163, 164). کتاب کار اجتماعی و اقلیت‌ها: چشم‌اندازهای اروپایی اسلام‌هراسی را به عنوان شکل جدیدی از نژادپرستی در اروپا می‌داند و مدعی است که اسلام‌هراسی نیز همانند آنتی‌سمیتیسم در اروپا به صورت هم‌نژاد بیگانه‌ترسی، نژادپرستی و عدم تساهل درآمده است (Johnson, Soydan & Williams, 1998, p.182).

شکل دیگری از اسلام‌هراسی به صورت در هم آمیختن ملیت (مثلاً عرب)، دین (اسلام) و سیاست (تروریسم، بنیادگرایی و مانند این‌ها) است. براون و مایلز معتقدند که بسیاری از کلیشه‌هایی که در به وجود آمدن اسلام‌هراسی دخیل‌اند، در برداشت خاصی از اسلام، مانند این برداشت که اسلام مروج تروریسم است (برداشتی که به ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م. غلبه یافت)، ریشه دارند (Miles & Brown, 2003, p.166).

بنا به گفته الیزابت پول در دایرةالمعارف مطالعات نژاد و قومیت، رسانه‌ها به دلیل تقصیری که در بروز اسلام‌هراسی داشتند، مورد انتقاد قرار گرفتند.^{۱۲} وی مطالعه‌ای موردی را در بریتانیا نقل می‌کند که در آن تعدادی از مقالات روزنامه‌ها بین سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۴ م. به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. نتیجه‌ای که از این تحقیق گرفته شد، این بود که در مقالات مورد بررسی دیدگاه‌های مسلمانان منعکس نشده و به حاشیه رانده شده است. آنچه در این مقالات در باره مسلمانان نوشته شده بود، آن‌ها را به گونه‌ای منفی به تصویر می‌کشید. از جمله این تصاویر منفی از نظر پول به تصویر کشیدن اسلام و مسلمانان به عنوان تهدیدی برای امنیت و ارزش‌های غرب بود.^{۱۳} بن و جواد معتقدند که خصومت در قبال اسلام با «نحوه به تصویر کشیدن مسلمانان در این رسانه‌ها به عنوان بربر، غیرعقلانی و جنسیت‌گرا» پیوند نزدیکی دارد (Benn, & Jawad, 2004). آگورا و تئودور نیز به نقل از برخی محققان اروپایی چنین ابراز می‌دارند که اصطلاحات به کاررفته در رسانه‌ها، مانند «تروریسم اسلامی»، «بمب‌های اسلامی» و

«اسلام خشن» باعث برداشتی منفی در قبال اسلام شده است (Egorova, & Tudor, 2003, pp.2-3).^{۱۴}

۲. مسلمانان در اتحادیه اروپا

بیش از بیست میلیون مسلمان در اتحادیه اروپای بزرگ به طور تخمین زندگی می‌کنند (Cf. Masci, 2004). به دشواری می‌توان تعداد دقیق آن را مشخص کرد؛ زیرا تعدادی از کشورهای اتحادیه اروپا وابستگی دینی ساکنان خود را ثبت نمی‌کنند و نیز تخمین‌های قابل دسترس اغلب تقریبی هستند، و برای مثال، بر اساس پیشینه ملی ساکنان بنا یافته‌اند. آنچه که این مسئله را پیچیده‌تر می‌سازد، این است که شیوه‌های متفاوتی برای تعریف «مسلمان» وجود دارد. در حالی که وسیع‌ترین تعریف‌ها هر کسی را که در محیطی دارای اقلیت مسلمان متولد شده و اقامت یافته‌اند، مسلمان می‌دانند، تعریف‌های دقیق‌تر تنها کسانی را که فعلاً به اسلام عمل می‌کنند، مسلمان قلمداد می‌کنند. بین این دو تعریف تعاریف دیگری در باره مسلمانان به عنوان افرادی که خود را مسلمان می‌دانند، گرچه بدون معیار مسلمان فعال هستند، وجود دارد.

در نتیجه، وجود شیوه‌های مختلف برای تعریف مسلمان، مقایسه‌پذیری و ارزش تعداد مسلمانان در فصل‌های مربوط به کشورهای مختلف محدود است. اما با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها، می‌توان مشاهده کرد که بیشترین تعداد مسلمانان در فرانسه (۴-۵ میلیون)، آلمان (بیش از سه میلیون)، انگلستان (بیش از یک و نیم میلیون)، اسپانیا (حدود ۱ میلیون) و ایتالیا و هلند (نزدیک به یک میلیون در هر دو مورد) وجود دارند. تعداد مطلق مسلمانان در کشورهای بلژیک (۴۰ هزار تا ۵۰۰ هزار)، یونان (تا ۴۰۰ هزار)، اتریش (بیش از ۳۰۰ هزار)، سوئد (همچنین بیش از ۳۰۰ هزار)، و دانمارک (تا ۱۸۰ هزار) کمتر است، و مسلمانان ۳ تا ۴ درصد از تمامی ساکنان این کشورها را تشکیل می‌دهند. از آنجایی که اعضای اجتماعات مسلمانان در کشورهای اتحادیه اروپا نوعاً دارای پیشینه‌های متنوعی هستند، این اجتماعات نیز تنوع بسیاری یافته‌اند، و وابستگی‌های قومی، فرهنگی، زبانی و اجتماعی متنوعی را دربرمی‌گیرند. آن‌ها همچنین به سنت‌های اسلامی متفاوتی تعلق دارند. بنابراین اشاره به آن‌ها به عنوان اجتماعاتی منسجم

گمراه‌کننده خواهد بود. اما در میان نسل‌های جوان‌تر مسلمانان که در اتحادیه اروپا تولد یافته و اقامت یافته‌اند، و دیگر پیوندهای نیرومند خاصی با کشورهای زادگاه والدین یا پدربزرگ‌های خود ندارند، تفاوت‌های قومی و فرهنگی به تدریج اهمیت خود را از دست می‌دهد.^{۱۵} در سراسر اتحادیه اروپا شکل‌هایی بومی از اسلام در حال شکل‌گیری است، و جوانان مسلمان بیش از پیش اسلام را به عنوان عقیده‌ای شخصی، و نه مفهومی مربوط به خانواده و سنت، در نظر می‌گیرند (Cf. Cesari, 2003, p.138).

گروه‌های مسلمان و ضد نژادپرستی در کشورهای اروپایی، تأسّف خود را در خصوص تمایل رو به رشد رسانه‌ها از ۱۱ سپتامبر به بعد برای به تصویر کشیدن مسلمانان به گونه‌ای منفی و کلیشه‌ای ابراز داشته‌اند. مطمئناً درست است که بسیاری از خروجی‌های رسانه‌ها به دنبال ارائه پوششی مسئولانه و متعادل از تحولات مربوط به مسلمانان هستند و آن‌ها فضایی را برای مشارکت و تبادل آراء توسط مردمان دارای دیدگاه‌های مختلف با توجه به موضوعاتی مانند استفاده از روسری در مدارس مسلمانان فراهم می‌آورند. اما در زمینه تحولات سیاسی‌ای که از ۱۱ سپتامبر به وقوع پیوسته است، تعداد رو به افزایشی از گزارش‌ها دیدگاه تنگ‌نظرانه‌ای از اسلام منعکس ساخته‌اند و آن را به صورت دینی تک‌بعدی ارائه داده‌اند که سرکوبگر و بنیادگراست و ارزش‌های دموکراتیک و مدنی را مورد تهدید قرار می‌دهد. این گزارش‌ها همچنین در ارائه برداشتی مردمی در خصوص مسلمانان به عنوان «بیگانه» و «خطرناک» و به صورت تمایز میان «ما» و «آن‌ها» دخیل بوده‌اند.

از جمله این موارد این بوده است که نمایندگان مسلمان در فرانسه و انگلستان ابراز داشته‌اند که گرایش به گزارش‌دهی پیش‌داورانه از طریق استفاده از عناوین و تصاویر احساساتی، و نیز از طریق توجه گسترده به مسلمانان دارای دیدگاه‌های افراطی افزایش یافته است. نمایندگان مسلمان در دانمارک نیز شاهد آن بوده‌اند که از مسلمانان معتدلی که مصاحبه شده است، اغلب فرصت منصفانه‌ای برای بیان دیدگاه‌های خود پیدا نکرده‌اند، حال آنکه نمایندگان مسلمان در اتریش و سوئد خشم خود را در این خصوص ابراز داشته‌اند که کسانی که در رسانه‌ها به عنوان «متخصّص» معرفی شده و از

آن‌ها نقل قول شده است، گاه تفسیری ساده‌انگارانه و دارای سوگیری از اسلام ارائه داده‌اند.

گروه‌های مسلمان در بلژیک و آلمان نیز از جمله گروه‌هایی بوده‌اند که از رسانه‌ها خواسته‌اند پوشش مثبت خود در باره سهم مسلمانان در جامعه را افزایش دهند، و فعالان ضد نژادپرستی هلند به تلاش‌هایی برای افزایش آگاهی تولیدکنندگان رسانه‌ها در باره اهمیت دانش درست در باره اسلام به عنوان بنیان برای ارائه تصویری منصفانه از اسلام دست زده‌اند.

ظهور احزاب راست-پوپولیست در سال‌های اخیر تأثیری خاص بر بحث‌های سیاسی مربوط به مهاجرت و موضوعات ادغام در اتحادیه اروپا داشته است. احزاب راست-پوپولیست در تعدادی از کشورهای اتحادیه اروپا با دست زدن به لفاظی‌هایی در خصوص همراه داشتن مهاجرت با بیماری‌های اجتماعی و با خواستار شدن اقداماتی شدید برای محدودسازی هرچه بیشتر مهاجرت و موظف ساختن مهاجران به پذیرش آداب و رسوم کشورهای جدید خود، نظر رأی‌دهندگان را به خود جلب کرده‌اند.

این احزاب به دنبال ۱۱ سپتامبر همچنین از احساس ترس و آسیب‌پذیری حاصل از حملات تروریستی در بخش‌های مختلف جهان بهره برده، مسلمانان را به عنوان تهدیدی علیه امنیت و ارزش‌های کشورهای اتحادیه اروپا تصویر کرده‌اند. برای مثال، «اعضای جامعه شمال ایتالیا»^{۱۶} به هنگام دفاع از محدودسازی ساخت مساجد استدلال‌هایی در خصوص امنیت ارائه داده‌اند، گروه ولامز بلاک بلژیک^{۱۷} از استدلال‌های مربوط به امنیت برای اعتراض به تخصیص کمک‌های مالی دولتی به اجتماعات مسلمان استفاده کرده است. جبهه ملی فرانسه هشدار داده است که مسلمانان این کشور به اجتماعی بزرگ‌تر از مؤمنان وفادارند که تهدیدی علیه حاکمیت ملی محسوب می‌شوند (IHF, 2005, pp.11-17).^{۱۸}

در حالی که لفاظی‌های احزاب راست-پوپولیست باعث تشویق عدم تساهل در قبال مسلمانان و دیگر اعضای اقلیت شده، شهرت آن‌ها احزاب سیاسی دیگر را نیز برانگیخته است تا مواضع سخت‌گیرانه‌تری در خصوص موضوعات مهاجرت اتخاذ

کنند. این امر در بسیاری از موارد باعث به وجود آمدن سیاست‌های مهاجرت سخت‌گیرانه‌تری شده است، که خود آسیب‌پذیری‌های مسلمانان و دیگر مهاجران موجود در جامعه را افزایش داده است.

در اتریش که حزب آزادی از سال ۲۰۰۰م. بخشی از حکومت بوده است، در اکتبر سال ۲۰۰۴م. بخش‌هایی از قانون پناهندگی توسط دادگاه قانون اساسی غیرقانونی دانسته شد، و در دانمارک، که حزب مردم این کشور از سال ۲۰۰۱م. حزب حامی حکومت بوده است،^{۱۹} قوانین مهاجرت جدید از جمله سخت‌گیرانه‌ترین قوانین در جهان غرب بوده است. در هلند، حزب مشارکت، تشکیل‌یافته توسط سیاستمدار پوپولیست، پیم فورتوین، در حکومت عمر کوتاهی داشت، اما میراث این سیاستمدار به قتل‌رسیده، همچنان بر سیاست‌های مهاجرت کنونی در این کشور سایه انداخته است، و سازمان‌های ضد نژادپرستی معتقدند در بردارنده ابتکارات شدیدی است که منعکس‌کننده عدم توجه به استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر است.

همچنین در کشورهایی که احزاب راست-پوپولیست نفوذ محدودی داشته‌اند، از ۱۱ سپتامبر سیاست‌های مهاجرت با دل‌مشغولی‌های امنیتی پیوند خورده است. در اسپانیا و یونان، اقدامات محدودکننده جدیدی برای مبارزه با مهاجرت غیرقانونی به عنوان بخشی از مبارزه با تروریسم اجرا شده است، و در سوئد، حکومت با نقض هنجارهای حقوق بشر بین‌المللی مظنونان به تروریسم را اخراج کرده است. دل‌مشغولی‌های بجایی وجود دارد مبنی بر اینکه این تحولات در تشدید پیش‌داوری‌ها علیه مسلمانان و دیگر افراد دارای خاستگاه خارجی در این کشورها سهمیه بوده است.

گروه‌های مسلمان در انگلستان و آلمان نگرانی خود را در این خصوص ابراز داشته‌اند که اقدامات صورت‌گرفته برای افزایش امنیت پس از ۱۱ سپتامبر باعث لگه‌دار کردن تمامی مسلمانان این کشورها شود. صدها نفر از مسلمانان در انگلستان از ۱۱ سپتامبر بدین سو تحت قانون ضد تروریسم دستگیر شده‌اند، اما تنها تعداد اندکی از آن‌ها برای جنایت‌های تروریستی مجرم شناخته شده، و بیشتر دستگیرشدگان بدون اتهام آزاد شده‌اند. همچنین استفاده از نیروهای ایست و بازرسی علیه مسلمانان در چارچوب تلاش‌های ضد تروریستی افزایش زیادی یافته است و گزارش‌های بسیاری

در بارهٔ مسلمانان می‌رسد که بی‌هیچ دلیل مشخصی، جز مسلمان بودن، متوقف شده و مورد بازرسی قرار گرفته‌اند. هزاران نفر از مسلمانان در آلمان صرفاً به دلیل اینکه سوابق آن‌ها با معیارهای خاصی از جمله وابستگی به اسلام مطابقت داشت، مورد تحقیق، بازرسی و بازپرسی قرار گرفتند، و ده‌ها مسجد بدون دلیل مشخصی مورد حمله قرار گرفتند.

بنا به گفتهٔ سازمان‌های مسلمان در این دو کشور، احساس گسترده‌ای در میان مسلمانان وجود دارد مبنی بر اینکه آن‌ها به شکلی غیرمنصفانه آماج سیاست‌های ضد تروریستی قرار گرفته و به صورت «مزنونینی جمعی» درآمده‌اند. برای مثال ۶۴ درصد از مسلمانانی که در پیمایشی در مارس ۲۰۰۴م. در انگلستان مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند، بر این باور بوده‌اند که قوانین ضد تروریستی به صورتی غیرمنصفانه علیه اجتماع مسلمانان استفاده می‌شود. سازمان‌های مسلمان در این دو کشور همچنین هشدار داده‌اند که سیاست‌های ضد تروریستی کنونی باعث از میان رفتن اعتماد مسلمانان به عملکرد و بی‌طرفی پلیس می‌شود و تمایل آن‌ها به همکاری با پلیس را کاهش می‌دهد (IHF, 2005, pp.11-17).

در بسیاری از کشورهای اروپا، پس از حوادث ۱۱ سپتامبر شاهد افزایش حملات به مسلمانان هستیم. پس از چند ماه تعداد حوادث نوعاً رو به کاهش گذاشت، اما در برخی از کشورها- به ویژه انگلستان- تعداد این حوادث بالاتر از دورهٔ قبل از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م. باقی ماند. موج‌های جدیدی از حمله به مسلمانان در ارتباط با حملات تروریستی بعدی و دیگر حوادث مربوط به خشونت^{۲۰} انجام گرفته به نام اسلام، مانند گروگان‌گیری در عراق، گزارش شده است. پس از حمله تروریستی مارس ۲۰۰۴م. در مادرید، افزایش جدیدی در سطح عدم تساهل در قبال مسلمانان در اسپانیا، آلمان و دیگر کشورها مشاهده شده است، و این در حالی است که در هلند به دنبال قتل فیلمساز هلندی، تئو ون گوگ، در نوامبر ۲۰۰۴م. موج جدیدی از حملات به مسلمانان بروز یافته است.

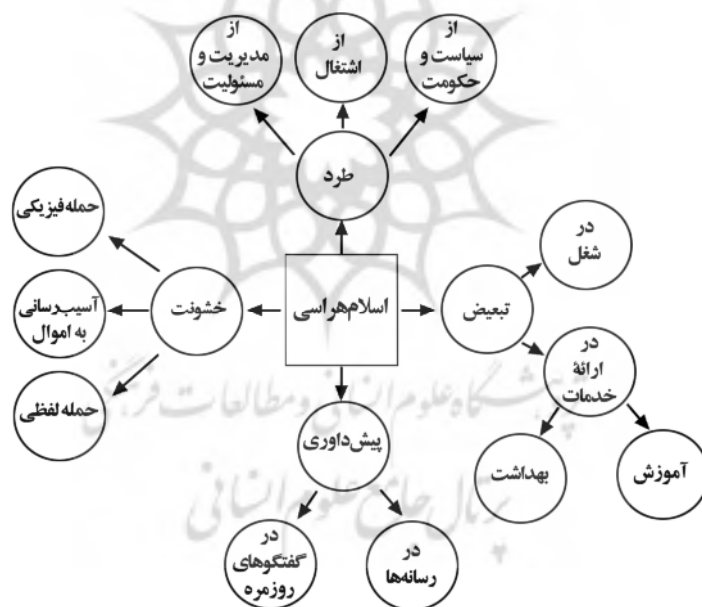
نسبت عمده‌ای از تمامی حملات گزارش شده به مسلمانان دربردارندهٔ حملات لفظی است. کسانی که به دلیل ظاهر خود، به عنوان مسلمان شناخته می‌شوند، به ویژه

در معرض آزار و اذیت در خیابان و مکان‌های عمومی دیگر قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، زنان مسلمانی که روسری به سر می‌کنند و مردان مسلمان (و سیک) با ریش و عمامه بیش از دیگران قربانی این حوادث هستند. در فرانسه، ۷۰ درصد تمامی حملات صورت‌گرفته علیه افراد مسلمان که توسط یک سازمان مسلمان ثبت شده است، دربردارنده حمله علیه زنان مسلمانی است که روسری به سر داشتند. علاوه بر موارد حمله لفظی، مواردی از خشونت فیزیکی و خراب‌کاری و ایجاد حریق در مساجد، قبرستان‌های مسلمانان، و املاک آن‌ها نیز در سراسر منطقه اتحادیه اروپا گزارش شده است (IHF, 2005, pp.11-17).

افزون بر این، سازمان‌های مسلمان به عنوان یک جریان کلی در اروپا نگرانی خود را در این خصوص ابراز داشته‌اند که فضای اجتماعی پیش روی مسلمانان پس از ۱۱ سپتامبر رو به وخامت گذاشته است. با افزایش تلاش‌های دولت برای ارتقا بخشیدن به امنیت ملی، و با تبدیل شدن بحث افراطی‌گری دینی به موضوع داغ بحث‌های عمومی، پیش‌داوری‌های از قبل موجود در مورد مسلمانان تقویت شد. مسلمانان در تعامل خود با اعضای جمعیت اکثریت مورد بی‌اعتمادی بوده‌اند و برای توجیه باورهای خود و تمایز قائل شدن میان خود و تروریست‌ها فشار روزافزونی را احساس کرده‌اند؛ برای مثال، در دانمارک و اتریش، گروه‌های مسلمان شاهد بوده‌اند که پس از ۱۱ سپتامبر ابراز علنی خصومت علیه مسلمانان «مشروعیت» بیشتری یافته است، و اکنون می‌توان به تصریح از زبان غیرمتساهل، به گونه‌ای که پیش از این قابل قبول نبود، بهره گرفت. برای مثال، پیش‌داوری‌های مربوط به اسلام در خصوص سوءاستفاده از قدرت، سرکوب زنان و خشونت به شکلی روزافزون به سطح بحث‌های عمومی انتقال یافته است (IHF, 2005, pp.11-17).

بنا به گفته سازمان‌های مسلمان و ضد نژادپرستی در ایتالیا، انگلستان و دیگر کشورها، بسیاری از حملات علیه مسلمانان هیچ گاه به پلیس گزارش نشده‌اند؛ زیرا قربانیان اعتماد نداشتند که پلیس به شکلی مؤثر به موضوع آن‌ها پردازد (IHF, 2005, pp.11-17).

در مجموع، می‌توان گفت که اسلام‌هراسی به چهار شیوه بروز می‌یابد که عبارت‌اند از خشونت، تبعیض، پیش‌داوری و طرد. در این میان شیوه‌های رایج خشونت‌ورزی، حملات فیزیکی، تخریب و آسیب‌رسانی به اموال، و حملات لفظی را شامل می‌شود. تبعیض به صورت تبعیض در محل کار، و تبعیض در ارائه خدمات (آموزش، بهداشت و...) بروز می‌کند. پیش‌داوری در دو حوزه عمده بروز می‌یابد: یکی در رسانه‌ها و دیگری در گفتگوها و برخوردهای روزمره. طرد بیشتر در سه حوزه بروز می‌کند: در سیاست و حکومت، اشتغال، و نیز در مدیریت و مسئولیت. در عین حال، این موارد به گونه‌ای در هم تنیده‌اند که نمی‌توان مرزی قطعی بین آن‌ها گذاشت؛ برای مثال، طرد از حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی خود نمونه‌ای از تبعیض نیز محسوب می‌شود. انتشار کاریکاتورها علیه اسلام و مسلمانان، گرچه در زمره پیش‌داوری‌ها محسوب می‌شود، نمی‌توان آن را از مقوله خشونت (توهین لفظی) ندانست.



نمودار شماره ۱. ابعاد مختلف اسلام‌هراسی
برگرفته از گزارش اسلام‌هراسی: چالشی برای همه ما

۳. جرایمی اسلام‌هراسی

چرا اسلام‌هراسی بروز کرد؟ برای اینکه بتوانیم به این سؤال پاسخ گوئیم، باید مجموعه‌ای از عوامل را مد نظر قرار دهیم. این عوامل طیفی را از عوامل تاریخی، فرهنگی-اجتماعی، سیاسی و... در بر می‌گیرند:

۳-۱. مهاجرت و تقابل فرهنگ‌ها

بخش عمده‌ای از مسلمانان در کشورهای اروپایی دارای خاستگاه مهاجرتی هستند. بیشتر این کشورها به دنبال جنگ جهانی دوم مهاجرت کاری از کشورهای مسلمان را افزایش دادند. برنامه اولیه این بود که این مهاجران تنها به صورت موقت در این کشورها بمانند و سپس به کشور خاستگاه خود بازگردند، و بنابراین، نوعاً ادغام آنها در جوامع میزبان تشویق نمی‌شد. اما بسیاری از این کارگران مهاجر سرانجام تصمیم گرفتند که بمانند. کشورهای اتحادیه اروپا در دهه ۱۹۷۰م. در واکنش به رکود اقتصادی محدودیت‌های شدیدی را در خصوص مهاجرت اعمال کردند، و در دهه‌های بعد، بیشتر مهاجرانی که به این کشورها آمدند اعضای خانواده کارگران مهاجر پیشین- از جمله مسلمانان- بودند که از برنامه‌های وحدت‌بخشی مجدد خانوادگی بهره‌مند شدند. از دهه ۱۹۷۰م. تعداد رو به رشدی از پناهندگان مسلمان به کشورهای اتحادیه اروپا آمدند. در نتیجه این تحولات، مسلمانان از دهه ۱۹۸۰م. نمودی چشمگیر و روزافزون در کشورهای اتحادیه اروپا، به ویژه پایتخت‌ها و دیگر شهرهای بزرگ این کشورها پیدا کردند.

برای مثال، هیچ آمار رسمی در خصوص وابستگی‌های دینی در دانمارک وجود ندارد، اما تخمین زده می‌شود که ۱۶۰ تا ۱۸۰ هزار نفر از ۵/۳ میلیون ساکن این کشور مسلمان باشند. در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰م. بسیاری از مسلمانان به عنوان کارگران مهاجر از کشورهایی مانند ترکیه، پاکستان، مراکش و یوگسلاوی سابق و در دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۰م. گروه‌های قابل ملاحظه‌ای از پناهندگان مسلمان از مناطق و کشورهایمانند خاورمیانه، سومالی و بوسنی- هرزگوین به این کشور آمدند. مسلمانان دارای سابقه پناهندگی در حال حاضر ۴۰ درصد جمعیت مسلمانان دانمارک را تشکیل

می‌دهند.^{۲۱} در اواخر دهه ۱۹۹۰م. حدود ۲۵ هزار مسلمان شهروند دارای حق تابعیت دانمارک بودند که این تعداد احتمالاً در حال حاضر فزونی یافته است. بیشتر مسلمانان در شهر کپنهاگ و اطراف آن و نیز در شهرهای عمده‌ای مانند آرهوس و اودنس زندگی می‌کنند.^{۲۲} دانمارک به طور سنتی دارای درجه بالایی از تجانس قومی و مذهبی است و تنها در اثر مهاجرت در چند دهه اخیر است که تنوع بیشتری در سنت‌های فرهنگی و مذهبی در این جامعه دیده می‌شود.

در مورد فرانسه نیز هیچ آمار رسمی در خصوص وابستگی دینی در این کشور وجود ندارد، اما تخمین زده می‌شود که حدود ۴ تا ۵ میلیون نفر از ۶۰ میلیون ساکنان این کشور مسلمان باشند. این تعداد مساوی ۷ تا ۸ درصد از جمعیت است، که نسبت به تمامی کشورهای اتحادیه اروپا بیشتر است. این مطلب همچنین بدین معناست که اسلام پس از مسیحیت بیشترین تعداد پیروان را در این کشور دارد.

بیشتر مسلمانان ریشه در مستعمرات پیشین فرانسه در شمال آفریقا، الجزایر، مراکش و تونس دارند. طی بحران اقتصادی پس از جنگ در فرانسه، تعداد قابل ملاحظه‌ای از کارگران مهاجر از این کشورها به فرانسه آمدند، و در دهه‌های بعد تحت برنامه وحدت‌بخشی مجدد خانواده‌ها این مهاجرت ادامه یافت. اما گروه‌های قابل ملاحظه‌ای از مسلمانان از کشورهای دیگری مانند آفریقای زیر صحر و ترکیه هستند. حدود نیمی از مسلمانان از شهروندان تولد یافته یا دارای تابعیت فرانسه هستند. بسیاری از مسلمانان در شهرهایی بزرگ، مانند پاریس، لیل و مارسلی، یا اطراف آن‌ها تمرکز یافته‌اند.^{۲۳}

در آلمان عمدتاً بر اساس آمار کشورهای خاستگاه مهاجران تخمین زده می‌شود که از کل ۸۲ میلیون نفر جمعیت آلمان، حدود ۳/۳ میلیون نفر مسلمان باشند. حدود ۵۰۰ هزار مسلمان شهروند این کشور هستند.^{۲۴} بیشتر مسلمانان از ترکیه آمده‌اند، و مهاجرت آن‌ها از این کشور بر اساس توافقنامه‌های دوجانبه کارگران مهمان در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م. به اوج خود رسید. در سال‌های بعد، تعداد مسلمانان عمدتاً به دلیل وحدت‌یابی مجدد خانواده‌ها و از راه رسیدن پناهجویانی از جمله از بالکان، خاورمیانه و شبه‌قاره هند رو به افزایش گذاشته است.^{۲۵}

حدود ۶۵ درصد از مسلمانان سنی هستند، حال آنکه بقیه شامل ۳۴۰ هزار علوی و ۱۷۰ هزار نفر شیعه امامیه ایرانی و شیعیان ترک هستند. اعتقاد بر این است که حدود یک-سوم از مسلمانان، مسلمانانی «رسمی» هستند که فعلاً به دین خود عمل نمی‌کنند یا حتی آن را رد می‌کنند. بر طبق ارقام انتشار یافته در سال ۲۰۰۲م، تنها ۸ درصد از مسلمانان به صورت مرتب نماز جمعه به جای می‌آورند (Daten, 2002). اما بنا به گفته مؤسسه مرکزی آرشیو اسلامی در آلمان، حضور در مساجد در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳م افزایش یافته است. این جریان به احساس رو به رشد آسیب‌پذیری در میان مسلمانان، به دلیل جنگ عراق و تأثیراتی که انتظار می‌رود بر نگرش‌های مردمی در قبال مسلمانان بگذارد، مربوط می‌شود.

این ترکیب به نسبت‌های متفاوت در کشورهای دیگر نیز وجود دارد. مسلمانان مهاجری که عمدتاً برای کار از پایان جنگ جهانی دوم به اروپا آمده‌اند، به دلیل تعلق به طبقات پایین جامعه، سطح پایین تحصیلات، خاستگاه سنتی و عواملی از این قبیل توانایی کمتری برای انطباق با فرهنگ سرزمین جدید را داشتند. این تصلب فرهنگی در میان نسل نخست مهاجران بیش از نسل‌های بعدی وجود داشت و باعث به وجود آمدن نوعی پیش‌داوری در میان اروپاییان در خصوص تمامی مسلمانان شد.

۲-۳. ایدئولوژی اسلام سیاسی

اسلام سیاسی دربردارنده ایدئولوژی‌هایی دینی است که هر کدام از انواع آن مدعی برخورداری از حقیقت و قطعیت هستند و در بسیاری از موارد یکدیگر را نفی و طرد می‌کنند و باطل می‌شمارند. این ایدئولوژی‌ها از گرایش‌های سلفی مانند وهابیت، که گرایشی محافظه‌کارانه محسوب می‌شود، تا جنبش‌های آزادی‌بخش در برخی کشورها و حرکت‌هایی که در مقابل استعمار و نفوذ غرب و صهیونیسم شکل گرفته‌اند، مانند نهضت اجرای فقه جعفری در پاکستان، حرکت مقاومت اسلامی در فلسطین، حزب‌الله لبنان و انقلاب اسلامی و به دنبال آن نظام جمهوری اسلامی در ایران و... امتداد دارد. ویژگی مشترک تمامی این جریان‌ها اعتقاد به توانایی دین اسلام در پاسخ‌گویی به مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موجود در جهان امروز است.

اسلام در ذات خود دینی سیاسی است، ولی در طی تاریخ و با توجه به تحولاتی که در جهان اسلام و نیز ارتباط آن با جهان خارج روی داد، زمینه‌ای فراهم آمد که گرایش‌های مختلف اسلامی بر ابعاد سیاسی اسلام تأکید مجدد و مضاعفی ورزند و از ظرفیت سیاسی و بسیج‌گرانه اسلام برای مواجهه با دشمنان و برای ایستادن در مقابل حاکمان مستبد و منحرف و همچنین برای مقابله با آنچه خود انحراف می‌شمردند، استفاده کنند. بدیهی است که این مجموعه گسترده که زیر عنوان اسلام سیاسی می‌آید، در بردارنده گرایش‌های متفاوتی است که از واقع‌گرایانه تا آرمان‌گرایانه، معتدل تا رادیکال، و از حقیقت‌جو و حقیقت‌طلب تا انحرافی امتداد دارد. آنچه که حرکت‌های اصیل‌تر مانند انقلاب اسلامی و اسلام‌خواهی در ایران و برخی دیگر از کشورهای جهان را که برخاسته از متن مردم هستند، در کنار جنبش‌های رادیکال و انحرافی قرار می‌دهد، صرفاً اشتراک لفظی است.

در میان نحله‌های مختلف اسلام سیاسی، سلفیّه، که ریشه در اندیشه‌های افرادی مانند ابن تیمیّه دارد و در دوره معاصر با اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب در قالب مکتب وهابیت ظهور یافت و همچنین اندیشه‌های محمد رشید رضا آن را تقویت کرد، زمینه‌ساز شکل‌گیری دولت عربستان سعودی و نیز جریان‌ها و سازمان‌هایی سیاسی در جهان عرب و برخی دیگر از کشورهای جهان اسلام شد.

مسلك وهابیت با آنکه به نام پیراستن اسلام از بدعت گمراهان و بازگرداندن آن به شیوه سلف صالح آغاز شد، خود به صورت یکی از موانع پیشرفت و پویایی اندیشه مسلمانان درآمد؛ چنان که پیروانش تا این اواخر در شمار وامانده‌ترین ملت‌های مسلمان بودند. از این گذشته، کشتار و ویرانی‌هایی که وهابیان در سرزمین‌های اسلامی مرتکب شدند، بر تعصّب‌ها و کشاکش‌های فرقه‌ای میان مسلمانان افزود. وهابیان در شناخت و شناساندن اسلام سلف و مبانی اصلی و خالص اسلامی چندان آگاه نبودند. از این جهت به نظر همه مذاهب اسلامی - به جز حنبلی‌ها - عقاید وهابیه در باره معنای بدعت و حرمت زیارت مقابر و ذبح و نذر و شفاعت و مانند این‌ها با اسلام مطابقت ندارد (عنایت، ۱۳۵۸، صص ۶-۷).

یکی از جنبه‌های تأثیرگذاری سلفیّه بر شکل‌گیری اسلام‌هراسی، تلاش‌های تبلیغاتی این جریان در کشورهای مختلف به ویژه از دهه ۱۹۷۰م. بدین سوی است. این جریان با حمایت دولت‌هایی، به ویژه دولت عربستان، در چند دهه اخیر در کشورهای مسلمان و نیز غیرمسلمان تبلیغات دامنه‌داری را برای گسترش دیدگاه‌های خود به عمل آورده‌اند. امکانات مالی هنگفت و تبلیغات گسترده این جریان باعث شده است که مردمان کشورهای غیرمسلمان بر اساس قرائتی که آن‌ها از اسلام ارائه می‌دهند، تصوّر خود از اسلام را شکل دهند. دیدگاه‌های آن‌ها با واقعیت کنونی جوامع غربی سازگاری ندارد و با بی‌سلیقگی و بدون در نظر گرفتن زمان و مکان احکام اسلامی را بیان می‌کنند.

نمونه‌ای از این اتفاقات در فرانسه و در ارتباط با عبدالقادر بوزیان روی داد. بوزیان امامی الجزایری‌الاصل است که در مصاحبه‌ای با یک مجله که در آوریل سال ۲۰۰۴م. انتشار یافت، در دفاع از حق شوهران در کتک زدن زنانشان و نیز دفاع از حق سنگسار کردن زنان زناکار بلوا آفرید.^{۲۶} این قضیه حکومت را واداشت تا قانون جدیدی وضع کند، که اخراج خارجیانی را که «باعث برانگیختن تبعیض، دشمنی و خشونت علیه شخص یا گروه خاصی از اشخاص می‌شدند»، مجاز می‌شمرد.^{۲۷} رئیس شورای دین اسلام فرانسه بیانیه‌های مطرح‌شده توسط بوزیان را ناپسندیده شمرد و نتیجه گرفت که کسی که از این ایده‌ها حمایت می‌کند، «ارزش» آن را ندارد که امام باشد. در عین حال، وی به انتقاد از توجه انبوه رسانه‌ها به این موارد پرداخت و هشدار داد که این امر تنها باعث برافروخته شدن عدم تساهل در قبال مسلمانان می‌شود. وی همچنین اشاره کرد که تنها اقلیتی از امامان در خطبه‌های خود به بیان ایده‌های ناپذیرفتنی می‌پردازند و تصاویر ارائه‌شده در رسانه‌ها از امامان کشور به عنوان «دسته‌ای از مزدوران خارجی که هیچ توجهی به حاکمیت قانون ندارند»، بسیار اغراق‌آمیز است (Henley, 2004). سازمان فرانسوی ضد اسلام‌هراسی ابراز نگرانی کرده است که تصمیمات گرفته‌شده توسط وزارت کشور برای اخراج امامان نوعاً بدون در نظر گرفتن جزئیات است، و این امر دفاع را توسط امامان مورد نظر دشوار می‌سازد (IHF, 2005, pp.11-17). نمونه‌هایی از این دست گهگاه در برخی کشورها اتفاق افتاده و سازمان‌های مسلمان را بر آن داشته

است که خواستار مجوز برای آموزش امامان شوند. برخی دولت‌ها نیز قوانینی وضع کرده و مساجد و سازمان‌های اسلامی را ملزم ساخته‌اند که امامان مساجد و خطیبان را از میان کسانی انتخاب کنند که زبان و فرهنگ کشور میزبان را بشناسند.

جنبه دیگری از تأثیرات منفی حرکت سلفی در این خصوص به شکل‌گیری سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی رادیکال مربوط می‌شود. اگر بخواهیم سابقه این سازمان‌ها را پیگیری کنیم، ابتدا باید به سراغ اخوان المسلمین برویم؛ سازمانی که با ایده‌های محمد رشید رضا و توسط شاگرد وی، حسن البناء تأسیس شد و در کشورهای مختلف عربی به فعالیت پرداخت.

گرچه اخوان به لحاظ فکری بسیار تحت تأثیر اندیشه‌های رشید رضا قرار داشتند، به میدان عمل وارد شده، کوشیدند تا با در دست گرفتن سلاح آن اندیشه را محقق سازند. به علاوه اخوان الغای خلافت را نیز محکوم می‌کردند و آن را اقدامی برنامه‌ریزی شده توسط امپریالیسم و ادامه جنگ‌های صلیبی می‌دانستند. آن‌ها تشکیل حکومت اسلامی را امری ضروری می‌دانستند و معتقد بودند بدون آن احکام و حدود الهی اجرا نخواهد شد. آن‌ها حکومت عربستان سعودی را نیز نقد می‌کردند و معتقد بودند تا زمانی که فاصله میان فقیر و غنی در این کشور وجود دارد و منافع این کشور به جیب عده‌ای خاص می‌رود، نمی‌توان از حکومت اسلامی دم زد (عنایت، ۱۳۵۸، صص ۱۵۸-۱۶۲).

نقطه اوج رادیکالیسم اخوان را می‌توان در اندیشه سید قطب و به ویژه در کتاب معالم الطريق وی مشاهده کرد. سید قطب در این کتاب پس از برشمردن بدی‌ها و پلیدی‌های جوامع کنونی - حتی جوامع مسلمان - آن‌ها را جوامعی جاهل می‌نامد و وظیفه مسلمان می‌داند که خود را از این جامعه جدا کرده، به جهاد با پلیدی‌ها بپردازد.

اندیشه‌های سید قطب زمینه‌ساز تشکیل سازمانی با عنوان «جماعت المسلمین» یا گروه «التکفیر و الهجره» شد. این گروه را از این جهت التکفیر و الهجره می‌نامند که اعضای آن جامعه مصر را تکفیر کردند و از این جامعه هجرت کرده، به دامان کوه پناه بردند و در آنجا به خودسازی و آموزش فنون نظامی پرداختند تا بتوانند جامعه خود را

«از جاهلیت نجات دهند». این گروه طی دوران فعالیت خود به عملیات بسیاری علیه دولت مصر دست زد و تعدادی از اعضا و سران آن دستگیر، زندانی و یا اعدام شدند. سازمان دپگری که باز از اندیشه‌های سید قطب الهام گرفت، سازمان «الجهاد» بود. این سازمان نیز مشی زیرزمینی و مسلحانه داشت و خالد الاسلامبولی، عضو این سازمان بود.

اهمیت این سازمان‌ها در بحث ما این است که این گروه‌ها بعداً در زمان اشغال افغانستان با تشویق دولت‌های عرب (در جهت صدور بحران‌های داخلی این دولت‌ها) به افغانستان رفتند و زمینه‌ساز شکل‌گیری گروه «القاعده» شدند. بدین ترتیب، پدیده عرب‌های افغانی شکل گرفت. این عرب‌ها، که در جنگ علیه شوروی از حمایت آمریکا برخوردار بودند، به رغم جزم‌اندیشی، پدیده‌هایی بین‌المللی محسوب می‌شدند که در کشورهای مختلف در تردد بودند. آنان بیشتر دارای تحصیلاتی بالا و مسلط به چند زبان بودند و مهارت‌های نظامی و فنی خوبی داشتند.

۳-۳. اروپامحوری یا نژادپرستی

داگلاس کلنر در مقاله خود با عنوان «فرهنگ مردمی و ساخت هویت‌های پست‌مدرن» (که در سال ۱۹۹۲م. در کتاب «مدرنیته و هویت» به ویراستاری لش و فریدمن انتشار یافت)، ابراز می‌دارد که هویت در اجتماعات ماقبل مدرن اجتماعی بود، اما تردید یا تعارض آن را فرا نگرفته بود. هویت شخصی از ثبات برخوردار بود؛ زیرا اسطوره‌های دیرین و نظامی از نقش‌های از قبل تعریف‌شده آن را تعریف و حمایت می‌کرد. انسان بخشی از یک نظام خویشاوندی کهنسال بود. اندیشه و رفتار او در یک جهان‌بینی محدود گرفتار آمده و جهت‌گیری زندگی آینده وی کم و بیش تعیین یافته بود. بنابراین، نیازی به پرسش جایگاه خود در جهان نداشت. هویت اصلاً موضوعیت نداشت (وارد، ۱۳۸۴، ص ۱۹۶).

مدرنیته با این باور سروکار دارد که ردّ قیدوبندهای سنت باعث پیشرفت به سمت رهایی انسان می‌شود. اما ترویج حال و آینده و نفی گذشته مردم را وامی‌دارد که به پرسش در باره ماهیت هویت خویش بپردازند. هویت‌ها در این دوره به گونه‌ای خطّی ارزش‌گذاری شدند. در این ارزش‌گذاری هویت‌های شهری، بورژوا، اروپایی (انگلو ساکسون، یا وابسته به دیگر کشورهای اروپایی)، سفیدپوست، مسیحی (در برخی موارد کاتولیک و گاه پروتستان)، و مانند این‌ها ارزشمند و هویت‌های دیگر فرودست قلمداد شدند. به همین ترتیب توسعه نیز جهتی خطّی به خود گرفت. بر طبق این دیدگاه تنها یک راه برای توسعه وجود دارد: غربی شدن و پیمودن تجربه‌ای که غرب در آن گام نهاد.

این نگاه در شکل افراطی خود به نژادپرستی انجامید و فرهنگی را بنیان نهاد که حاصل آن نفی و طرد سایر فرهنگ‌ها بود. احزاب راست‌گرای غرب در حال حاضر بر اساس این دیدگاه عمل می‌کنند و چنین نگرشی را تبلیغ و ترویج می‌کنند؛ از جمله این احزاب، حزب «لیگ شمالی ایتالیا» به رهبری سیلویو برلوسکونی است که در این کشور همواره با سیاست‌های مربوط به مهاجرت مخالفت کرده و خواستار سخت‌گیری بیشتری در این سیاست‌ها شده است. این حزب مخالف شدید ساخت مسجد در ایتالیاست و اعضای این حزب پس از حوادث ۱۱ سپتامبر همواره وجود مسلمانان در ایتالیا را با دغدغه‌های امنیتی پیوند داده‌اند. در آلمان نیز حزب «دموکرات-مسیحی» چنین نگرشی را تبلیغ می‌کند. حزب مخالف دموکرات-مسیحی مفهوم فرهنگ اکثریت آلمانی را به عنوان «فرهنگ راهبر» معرفی می‌کند، فرهنگی که مهاجران باید خود را با آن منطبق سازند. آنگلا مرکل رهبر حزب در یک سخنرانی جنجالی در کنفرانس سالانه این حزب در اوایل نوامبر سال ۲۰۰۴م. ضمن توصیف فرهنگ آلمانی به عنوان فرهنگی «که در آن ما تعطیلات مسیحی، و نه تعطیلات مسلمانان، را جشن می‌گیریم»، خواستار کمک برای دستیابی به این هدف شد. سخنان حزب دموکرات-مسیحی، که به نظر می‌رسید نشان‌دهنده آن باشد که همانندسازی مردمان دارای خاستگاه خارجی ضرورت دارد، به دلیل تهییج احساسات و ایجاد ترس و ناامیدی در میان مسلمانان، مورد انتقاد دیگر احزاب سیاسی و سازمان‌های غیردولتی قرار گرفت.^{۲۸} این گرایش‌ها در میان

مردمان اروپایی نیز بسیار دیده می‌شود و باعث می‌گردد که نگاهی تحقیرآمیز در قبال غیراروپاییان از جمله مسلمانان داشته باشند.

۳-۴. تأثیرات حادثه ۱۱ سپتامبر

۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱م. نقطه عطفی در تحولات بین‌المللی محسوب می‌شود و آغاز عصر جدیدی را رقم می‌زند. از این تاریخ آمریکا به صورت مستقیم در جنگ علیه دولت طالبان در افغانستان و دولت صدام حسین در عراق وارد عمل شد. در سطح اجتماعی و در ارتباط با موضوع اسلام‌هراسی نیز از این تاریخ شاهد افزایش بدبینی و تشدید خشونت، تبعیض و عدم تساهل علیه مسلمانان هستیم. از این تاریخ برخی از سیاست‌مداران سخنانی را که نمی‌توانستند علناً بر زبان آورند، جرئت کرده به صورت صریح طرح کردند و اسلام و مسلمانان را به تروریسم متهم کردند و خواستار محدودیت مهاجرت مسلمانان شدند و پیشنهادهایی در خصوص اخراج مسلمانان، جلوگیری از گسترش مساجد، محروم‌سازی زنان محجبه از تحصیل و مانند این‌ها را مطرح کردند. گرچه از شدت این حملات پس از چند ماه کاسته شد، ولی به طور کلی در دوره پس از ۱۱ سپتامبر میزان خشونت و حملات لفظی و فیزیکی علیه مسلمانان و پیش‌داوری در قبال مسلمانان و طرد آن‌ها بیش از دوره قبل از ۱۱ سپتامبر بوده است. چنان که سازمان‌های مسلمانان و آزادی‌های مدنی اشاره دارند، این واقعیت که مسلمانان از زمان ۱۱ سپتامبر بیش از پیش خصومت، تبعیض و محرومیت را تجربه می‌کنند، می‌تواند باعث افزایش آمادگی آن‌ها برای پذیرش تبلیغات صورت‌گرفته توسط سازمان‌هایی شود که از روش‌های خشونت‌آمیز برای اعتراض به بی‌عدالتی در قبال مسلمانان دفاع می‌کنند.

در پیمایشی در سال ۲۰۰۴م. که در انگلستان انجام گرفت، ۸۰ درصد از مسلمانان مورد مصاحبه ابراز داشتند که آن‌ها به دلیل دین خود مورد تبعیض واقع شده‌اند، حال آنکه این رقم در سال ۲۰۰۰م. چهل و پنج درصد و در سال ۱۹۹۹م. سی و پنج درصد بود. دفاتر ضد تبعیض در هلند طی چند سال گذشته تعداد روزافزونی از شکایت‌ها در خصوص آنچه تبعیض دارای انگیزه‌های دینی نامیده شده است، دریافت کرده‌اند، و

بیشتر این ۲۷۰ شکایت‌کننده در سال ۲۰۰۳م. به عنوان مسلمان یا به نیابت از مسلمانان ثبت نام کرده‌اند.

گزارش‌های مربوط به کشورهای مختلف نشان می‌دهد که وابستگی به اسلام ممکن است در بازار کار امتیاز منفی محسوب شود. تحلیل‌های انجام‌گرفته در سوئد، فرانسه، انگلستان و دیگر کشورها نشان داده‌اند که افراد دارای نام‌های مشخص مسلمان- یا عرب- کمتر از اعضای دارای نام‌های اکثریت با همان قابلیت‌ها به مصاحبه دعوت می‌شوند؛ برای مثال، بر طبق مطالعه انجام‌گرفته در انگلستان، افراد دارای نام‌های اسلامی در مقایسه با افراد دارای نام‌های فرانسوی با همان قابلیت‌ها در مقابل تقاضا برای استخدام در یک شغل سه برابر کمتر پاسخ مثبت می‌شوند.

نمایندگان مسلمان در اتریش از جمله شاهد بوده‌اند که زنان مسلمانی که روسری به سر می‌کنند، اغلب در یافتن شغل، به ویژه مشاغلی که با مشتریان سر و کار دارد، با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌شوند؛ برای مثال، کار مجموعه‌های دیده‌بانی در هلند و سوئد و سوابق حقوقی مربوط به دانمارک و دیگر کشورها این احساس را تقویت می‌کند که تبعیض علیه زنان مسلمانی که روسری می‌پوشند، در بازار کار مشکلی قابل توجه است. به علاوه، گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد مسلمانانی توسط مقامات مورد تبعیض دارای انگیزه‌های دینی واقع شده‌اند. اجتماعات مسلمان در چند کشور تحت پوشش این گزارش به هنگام درخواست برای کسب مجوز افتتاح عبادتگاه یا حتی در هنگام کسب اجازه برای دفن عزیزان خود در گورستان‌های عمومی با رفتاری تبعیض‌آمیز روبه‌رو شده‌اند. مأموران دولتی در موارد متعددی در فرانسه تنها در صورتی حاضر شده‌اند به زنان مسلمان کمک کنند که آن‌ها روسری خود را بردارند، و از جمله این موارد مراسم ازدواج بوده است. بر طبق گزارش‌هایی از انگلستان، اسپانیا، یونان و دیگر کشورها، مسلمانان از ۱۱ سپتامبر در معرض احراز هویت خودسرانه و دستگیری توسط پلیس قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

اسلام‌هراسی پدیدآمده در اروپا حاصل تحولاتی اعم از تاریخی و مربوط به زمان حال است. چندان نمی‌توان به عامل توطئه در این خصوص اعتقاد داشت. آنچه در این میان حائز اهمیت است، عملکردی است که دولت‌ها، گروه‌ها و سازمان‌ها باید در این خصوص اتخاذ کنند تا بتوان از شدت این حوادث کاست و نگرش‌ها را تغییر داد. بدیهی است که بروز این پدیده امری دوسویه است و نمی‌توان یک طرف را مقصر پنداشت. دولت‌های غربی باید به ایده چندفرهنگی همچنان وفادار بمانند و آموزش‌های خود را در این مسیر جهت دهند. شهروندان اروپایی باید بیاموزند که در کشوری با تنوعات قومی و فرهنگی زندگی می‌کنند. قانون‌گذاران در کشورهای اروپایی باید تدابیری بیندیشند تا افراد، گروه‌ها و البته سیاست‌مداران نتوانند از ادبیات نفرت بر علیه مسلمانان و دیگر گروه‌ها استفاده کنند.

از سوی دیگر، رهبران مسلمان، سازمان‌ها و دولت‌های کشورهای مسلمان نیز در این خصوص وظیفه سنگینی دارند. باید به این نکته توجه داشت که مسلمانان در کشورهای غربی، از جمله اروپا، تابلوی جهان اسلام محسوب می‌شوند. بنابراین نباید آن‌ها را هدف مطامع سیاسی و ایدئولوژی‌هایی متعارض قرار داد. بگذارید اسلام به گونه‌ای بومی در آنجا شکل بگیرد و با نیازها و خواست‌های آن سرزمین سازگار شود. سازمان‌های تبلیغی کشورهای مسلمان باید کسانی را برای تبلیغ در این کشورها بگمارند که با زبان و فرهنگ مردم آن سرزمین آشنا باشند و فارغ از تنگ‌نظری بتوانند بشارت‌دهنده رحمت اسلامی برای مسلمانان و مردمان آن کشورها شوند.

یادداشت‌ها

1. islamophobia
2. prejudice
3. discrimination
4. Ronneymede Trust
5. "Stockholm International Forum on Combating Intolerance"
6. European Centre on Combating Racism and Xenophobia (EUMC)

7. <http://www.un.org/News/Press/docs/2004/sgsm9637.doc.htm>

8. Gordon Conway

۹. به مقاله شوارتز با عنوان «اسلام‌هراسانی» که نیستند»،

در آدرس زیر مراجعه شود: (The "Islamophobes" That Aren't)

<http://www.frontpagemag.com/Articles/Read.aspx?GUID=448A41BB-FCAA-4A8F-A288-538DD09269EA>

۱۰. چکیده این مقاله در آدرس زیر قابل دسترس است:

<http://jos.sagepub.com/cgi/content/abstract/43/1/61>

۱۱. برای اطلاع بیشتر به آدرس زیر مراجعه شود:

<http://www.runnymedetrust.org/uploads/publications/pdfs/islamophobia.pdf>

12. Cf. *Encyclopedia of Race and Ethnic Studies*. (2003). Ed. Cashmore, E. Routledge.

13. *Encyclopedia of Race and Ethnic studies*, p.217.

۱۴. آن‌ها در این کتاب نتیجه‌های تحقیق زیر را نقل می‌کنند:

A. Marquina, V. G. Rebolledo, "The Dialogue between the European Union and the Islamic World", in *Interreligious Dialogues: Christians, Jews, Muslims, Annals of the European Academy of Sciences and Arts*, Vol. 24, No. 10, Austria, 2000, pp.166-8.

۱۵. برای آشنایی با تأثیر مهاجرت بر نگرش مسلمانان رک. ورنر شیفاور، «مهاجرت و تدین»، توماس گرهللم و جورج لیتمن (ویراستاران)، حضور نوین اسلام در اروپای غربی، ترجمه محمد قالیباف خراسانی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۸، صص ۱۸۷-۲۰۳.

16. Italian Northern League

17. Belgian Vlaams Blok

18. International Helsinki Federation for Human Rights (IHF)

۱۹. انتخابات جدید در اوایل فوریه سال ۲۰۰۵م. برگزار شد، و از آنجایی که حزب مردم دانمارک بیشترین کرسی‌های مجلس را به دست آورد، روشن شد که ترتیبات پیشین ادامه خواهد یافت.

20. violence

21. "Introduction to Islam and Other Religions in Denmark", at <http://www.islam.dk>

22. "Islam in Denmark", at <http://www.geocities.com>

23. Islamic Institute for Human Rights, "Country Profile: The Conditions of Muslims in France", at <http://www.iifhr.com/Country%20-profiles/France.htm>
۲۴. اطلاعات به دست آمده از شورای مرکزی مسلمانان آلمان از سایت زیر است:
<http://www.islam.de>
25. "Country Profile: Germany", *Euro-Islam Info*, at <http://www.euro-islam.de>; Ceri Peach and Gunther Glebe (1995), "Muslim Minorities in western Europe", in *Ethnic and Racial Studies*, Vol. 18: 1, New York: Routledge; Mathias Rohe (2003), "The Legal Treatment of Muslims in Germany", presented at International and European Forum on Migration Research in Torino, June, p.10, at <http://www.fieri.it>
۲۶. بوزیان ابتدا در آوریل سال ۲۰۰۴م. از کشور اخراج شد، اما سپس دادگاه اداری به دلیل اینکه وی جنایتی مرتکب نشده و فرصتی برای دفاع از خود پیدا نکرده بود، آن اخراج را غیرقانونی دانست و او توانست به کشور بازگردد. پس از آن بالاترین دادگاه اداری کشور رأی دادگاه پیشین را رد کرد و بوزیان برای دومین بار در اکتبر ۲۰۰۴م. از کشور اخراج شد. رک.
- "France Can Deport Muslim Cleric", *BBC*, October 4, 2004; "France Deports Controversial Imams", *BBC*, October 5, 2004.
27. France Backs Hate Expulsion Law", *BBC*, July 16, 2004.
۲۸. برای آشنایی با دیدگاه‌های این احزاب در اروپا رک.
International Helsinki Federation for Human Rights (IHF). op. cit.


کتابنامه

- شیفاور، ورنر (۱۳۷۸)، «مهاجرت و تدین»، توماس گرهم و جورج لیتمن (ویراستاران)، حضور نوین اسلام در اروپای غربی، ترجمه محمد قالیباف خراسانی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- عنایت حمید (۱۳۵۸)، سیری در اندیشه سیاسی غرب، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- وارد، گلن (۱۳۸۴)، پست‌مدرنیسم، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: انتشارات قصیده‌سرا.
- Benn, T. & Jawad, H. (2004), *Muslim Women in the United Kingdom and Beyond: Experiences and Images*.
- Peach, Ceri and Glebe, Gunther (1995), "Muslim Minorities in Western Europe", in *Ethnic and Racial Studies*, Vol. 18: 1, New York: Routledge.

- Cesari, Jocelyne (2003), "Muslim Minorities in Europe: The Silent Revolution", in Esposito, John and Burgat, Francois (eds.), *Modernizing Islam: Religion in the Public Sphere in the Middle East and in Europe*, Rutgers University Press.
- "Country Profile: Germany", Euro-Islam Info, at <http://www.euro-islam.de>;
- Daten, Neue (2002), Religion-online Newsletter, Nr. 2, October 31, at <http://www.religion-online.info>
- Egorova, Y. & Tudor, P. (2003), *Jews, Muslims, and Mass Media: Mediating the 'Other'*, London: Routledge Curzon.
- Encyclopedia of Race and Ethnic Studies* (2003), Ed. Cashmore, E. Routledge.
- "France Backs hate Expulsion Law" (2004), BBC, July 16.
- "France Can Deport Muslim Cleric" (2004), BBC, October 4; "France Deports Controversial Imams", BBC, October 5.
- Fredman, Sandra, *Discrimination and Human Rights*, Oxford University Press.
- Johnson, M. R. D., Soydan, H; Williams, C. (1998), *Social Work and Minorities: European Perspectives*, London; New York: Routledge.
- Henley, John (2004), "France Reassures Muslims", *The Guardian*, May 4.
- "International Helsinki Federation for Human Rights" (IHF) (2005), Intolerance and Discrimination against Muslims in the EU: Developments since September 11, March.
- "Introduction to Islam and Other Religions in Denmark", at <http://www.islam.dk>
- "Islam in Denmark", at <http://www.geocities.com>
- Islamic Institute for Human Rights, "Country Profile: The Conditions of Muslims in France", at <http://www.iifhr.com/Country%20-robiles/France.htm>
- Marquina, A. & Rebolledo, V. G. (2000), "The Dialogue between the European Union and the Islamic World", in *Interreligious Dialogues: Christians, Jews, Muslims, Annals of the European Academy of Sciences and Arts*, V. 24, no. 10, Austria.

Masci, David (2004), "An Uncertain Road: Muslims and the Future of Europe, The Pew Forum on Religion and public Life", December, at <http://pewforum.org/publications/reports/MuslimsinEurope2004.pdf>
Miles, R. & Brown, M. (2003), *Racism*, London; New York: Routledge.
Poynting, Scott & Mason, Victoria (2007), "The Resistible Rise of Islamophobia", *Journal of Sociology* 43 (1).
Rohe, Mathias (2003), "The Legal Treatment of Muslims in Germany", Presented at International ad Eurpoean Forum on Migration Research in Torino, June, p.10, at <http://www.fieri.it>

<http://jos.sagepub.com/cgi/content/abstract/43/1/61>
<http://www.frontpagemag.com/Articles/Read.aspx?GUID=448A41BB-FCAA-4A8F-A288-538DD09269EA>
<http://www.frontpagemag.com/Articles/Read.aspx?GUID=448A41BB-FCAA-4A8F-A288-538DD09269EA>
<http://www.islam.de>
<http://www.runnymedetrust.org/uploads/publications/pdfs/islamophobia.pdf>
<http://www.un.org/News/Press/docs/2004/sgsm9637.doc.htm>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی